

:-
:-
:-

:

:

:



:

:

:

حسب مواد قانون فعلی آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب اساساً محکوم‌له می‌تواند خساراتی را که به واسطه اقامه دعوا علیه طرف دعوا متحمل شده مطالبه کند که از جمله آن‌ها مبلغی است که به عنوان حق الوکاله به وکیل خود در دعوا پرداخته است. ماده ۵۱۹ قانون آ.د.م مقرر می‌دارد:

علاوه بر این هر چند مراجعه به محاکم به عنوان وکیل مستلزم داشتن پروانه وکالت از یکی از کانون‌های وکلا است، اما بر طبق ماده ۳۲ قانون آ.د.م: «وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوطه از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خودعنوان نماینده حقوقی استفاده کنند».



از عنوان لایحه چنین برمی‌آید که هرگاه در دعاوی دولت محکوم‌له آن واقع شود، پنجاه درصد از حق الوکاله‌ای که باید در چنان پرونده‌ای پرداخت می‌شده به کارشناسان حقوقی و کارمندان مؤثر در پیشرفت دعاوی مربوط پرداخت گردد، حال آن که این تصور منتفی است و فرض واقعی نویسندگان لایحه باید معطوف به مواردی بوده باشد که دولت را در دعوا مساعدت کرده و مآلاً دولت محکوم له واقع شده باشد؛ اما آنچه در مفاد لایحه به نظر می‌رسد با این برداشت اخیر سازگار نیست؛ زیرا مقصود لایحه ۵۰ درصد از حق الوکاله‌های وصولی از دعاوی است که دولت در آن‌ها محکوم‌له واقع می‌گردد که این مقصود با اشکالات آتی مواجه است:

الف) اگر قائل شویم که حتی در مواردی که دستگاه دولتی از وکیل دادگستری در دعوا سود جسته باید نیمی از حق الوکاله وصولی یا حق الوکاله مقرر در قرارداد وکالت یا آنچه قاضی به عنوان خسارات دادرسی و بر مبنای ماده ۵۱۹ مورد حکم قرار داده به کارشناسان حقوقی دستگاه ذی‌ربط یا کارمندان مؤثر در پیشرفت دعوا داده شود، اساساً فرضی غیرمعقول مطرح گردیده که با اصل ۴۶ قانون اساسی مغایر است که مقرر می‌دارد: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است...».

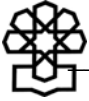
ب) به نظر فرض لایحه مربوط به جایی است که دولت با توسل به ماده ۳۲ ق.آ.د.م با استفاده از نماینده حقوقی خود در دعوا شرکت کرده و محکوم‌له واقع شده است که در این صورت حسب مفاد لایحه باید نیمی از حق الوکاله‌ای که برای چنین دعاوی در بین وکلا و در چنان دعاوی اخذ می‌شود، به اشخاص مذکور در لایحه پرداخت گردد، اما چنین فرضی با این اشکال روبه‌رو است که با ماده ۵۱۹ ق.آ.د.م همخوانی ندارد؛ بدین توضیح که حسب این ماده به عنوان حق الوکاله و در قالب خسارات دادرسی از محکوم علیه قابل دریافت اعلام گردیده، متفرع بر اعطای چنین حق الوکاله‌ای به یکی از وکلای دادگستری است، اما در ما نحن فیه که نماینده حقوقی بر طبق ماده ۳۲ ق.آ.د.م



در دعوا شرکت داشته و وکیل دادگستری نبوده تا مأخذی برای حق الوکاله او موجود باشد و در واقع وی نیز چیزی به عنوان حق الوکاله دریافت نداشته، محکوم کردن محکوم علیه به پرداخت حق الوکاله و مآلاً پرداخت آن به نماینده حقوقی یا اشخاص مؤثر در پیروزی دعوا مغایر با ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی است که مقرر می‌دارد: هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند، مگر این که شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست کرده باشد؛ اگر گفته شد در این موارد از همان ابتدا در دادخواست طرف دولتی اصرار حکم نسبت به حق الوکاله نیز درخواست می‌شود می‌توان گفت چنین درخواستی قابل رسیدگی نیست چون رأیی که در این باب - ولو به فرض - صادر می‌شود بی‌اساس خواهد بود، چرا که موجبی برای جبران خسارت تحمل نشده وجود ندارد.

۱. مقصود از دستگاه دولتی معلوم و مشخص نیست که آیا فقط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی است یا مؤسسات عمومی غیردولتی و نهادهای انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها و بانک‌ها را نیز شامل می‌شود، یعنی همان موارد مذکور در ماده ۳۲ ق.آ.د.م.

۲. در لایحه، تشخیص درجه تأثیرگذاری بر پیشرفت دادرسی به بالاترین مقام وزارتخانه یا مؤسسه دولتی یا افراد مجاز از طرف آن‌ها واگذار شده که این امر به دلیل فقد معیار عینی در این خصوص ممکن است سبب حدوث تشخیص‌های شخصی و موردی گردد و هدف کلی لایحه را به مرتبه دادن پاداش و اجرای موارد جود و کرم تنزل بدهد.



با توجه به آنچه در قسمت‌های قبل گفته شد، به نظر می‌رسد مفاد لایحه حاضر توجیه ندارد و با مواد قانون آیین دادرسی مدنی و اصول قانونی مغایر است. به علاوه در تاریخ ۱۳۴۴/۱۰/۱۲ قانونی با عنوان «اجازه پرداخت ۵۰ درصد از حق الوکاله‌های وصولی به نمایندگان قضایی و کارمندان مؤثر در پیشرفت دعاوی دولت» تصویب شده که حسب قواعد حقوقی هنوز هم لازم‌الاجرا است و اگر قرار است فارغ از انتقادهایی که فوقاً به لایحه فعلی وارد است، مفاد لایحه به هر حال اجرا شود با وجود قانون مرقوم مصوب سال ۱۳۴۴ نیازی به تصویب قانون مجدد نیست، بلکه اعمال برخی اصلاحات در همان قانون وافی به مقصود خواهد بود، مگر این که در تصویب مفاد لایحه توجیهات و دواعی دیگر مورد نظر باشد. متن قانون مزبور به شرح زیر است:

به وزارت دارایی اجازه داده می‌شود نسبت به دعاوی که دولت در محاکم قضایی محکوم‌له واقع و طرف به پرداخت خسارت حق الوکاله در حق دولت محکوم می‌گردد سی درصد از حق الوکاله وصولی مورد حکم را به نماینده قضایی ذی‌مدخل مشروط به این که کارمند وزارتخانه مربوطه بوده و دادرسی بدون دخالت وکیل انجام گرفته باشد و بیست درصد آن را به تشخیص وزارتخانه مربوطه به کارمندانی که در پیشرفت دادرسی مؤثر شناخته می‌شوند پرداخت نماید و در هر صورت میزان پرداختی در هر دعوی نباید در مورد نماینده قضایی از چهار ماه حقوق و در مورد سایر کارمندان از دو ماه حقوق تجاوز نماید.

- نماینده قضایی در صورتی مجاز به اقامه دعوی یا دفاع از آن است که از طرف وزارتخانه مربوط مجاز به اقدام باشد.



:

:لایحه اجازه پرداخت ۵۰ درصد از حق الوکاله‌های وصولی از دعاوی که
دستگاه‌های دولتی محکوم‌له واقع می‌گردند به کارشناسان حقوقی و کارمندان مؤثر در پیشرفت
آن

: بررسی‌های حقوقی-مطالعات برنامه‌وبودجه
: دفتر بررسی‌های حقوقی
: حسن جعفری تبار
: صفر بیگزاده

:

: